

تاثیر فلسفی و فرهنگی جهانی شدن: چالش‌هایی برای دهمکراسی مشارکتی در جهان سوم

جهانی شدن فرایند یکپارچگی همه‌ی انسان‌ها و ملت‌ها در بازاری جهانی است که به‌وسیله‌ی سرمایه‌ی جهانی اداره می‌شود. این فرایند دارای ویژگی‌های چندی است که کشورهای مختلف دنیا و از جمله کشورهایی مانند بنگلادش را با چالش تازه‌ای روبه‌رو می‌کند. یکپارچگی ژئوپلیتیکی ملت‌ها باعث رانده شدن مردم به سوی جهانی یک قطبی و در نتیجه افق‌های محلی، ملی و منطقه‌ای در یک بازار جهانی ادغام می‌شود. سرمایه‌های مالی، همه‌ی مردم جهان را به اقتصادی قمارخانه‌ای کشانده است. علم و فن‌آوری بسیار پیشرفته، باعث یکپارچگی آگاهی‌های دیجیتال و جامعه‌ی چند ارتباطی^۲ شده و حیات فرهنگی مردم تحت تاثیر فرایند کالا شدن در ابعاد جهانی دگرگون می‌شود. جهانی شدن زندگی نوع بشر را چه در سطح جهان کهن^۳ و چه در سطح جهان مهین^۴ به‌وسیله‌ی بازارمداری^۵ تهدید می‌کند و آن را با خطری جدی روبه‌رو می‌سازد.

از این رو، جنبش‌های مردمی باید فعالیت‌های خود را در جهت حفظ، بهبود و پربار کردن زندگی بشری تشدید کنند. ما باید تجربه‌های مردم در برابر فرایند جهانی شدن را که باعث شده به‌راهی ناشناخته و غیرقابل پیش‌بینی رانده شوند، منظم کنیم. آن‌ها از جهت‌های مختلفی در معرض آسیب‌های جدی قرار گرفته‌اند. جنبش‌های مردمی از نظر درک موقعیت زمانی، تجزیه و تحلیل رویدادها و چشم‌انداز زندگی آینده و در نتیجه از نظر نگرش و ترسیم استراتژی جنبش و مبارزه، به‌چالش فراخوانده می‌شوند. باید سعی کنیم قدم به قدم علایم زمان را درک کنیم و

۱. Issac Baroi نویسنده یکی از فعالان حقوق بشر و دبیرکل کنفرانس صلح آسیا - پاسیفیک، در پراگ بوده است.

2. Multi-Communication

3. Micro Cosmos

4. Macro Cosmos

5. Marketisation

بکشیم چالش‌هایی را که جهانی شدن در برابر جنبش‌های مردمی گذاشته، روشن سازیم. دنیا به جهانی به هم پیوسته تبدیل شده که تحت سیطره‌ی یک قدرت است. این همان چیزی است که آن را جهان تک قطبی می‌نامیم. این حاصل تغییرهای بهت‌انگیزی است که از فروپاشی جهان دو قطبی پدید آمده است. آن چه ژئوپلیتیک جهان کنونی را شکل می‌دهد ضدیت قدرت حاکم بر جهان با مردم جهان است. حاکمیت تک قطبی موجود در صدد حفظ و گسترش هژمونی ژئوپلیتیک خود است و در نتیجه، مردم جهان را با خشونت مستقیم و غیرمستقیم، قربانی مطامع خود می‌سازد. هدف جنبش‌های مردمی دست‌یابی به صلح و حفظ حیات انسانی روی کره‌ی زمین بوده و این وظیفه امروز بسیار دشوارتر از دوران دو قطبی قبلی جهان است. جنبش‌های مردمی و دموکراتیک با وظیفه‌ی متحد کردن مبارزه در این زمینه روبه‌رو هستند. زمانی که دولت‌های ملی و سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل تحت فشار حاکمیت تک‌قطبی‌اند، همبستگی این جنبش‌ها تنها راه دست‌یابی به صلح و امنیت است.

وظیفه‌ی دیگر جنبش‌های مردمی، پیوند جنبش‌های محلی و توده‌ای با جنبش‌های ملی و منطقه‌ای و در نهایت جنبش‌های جهانی است. اهمیت جنبش‌های جامعه‌ی مدنی^۱ و ایجاد تشکل‌های غیردولتی و دیگر انواع جنبش‌های مردمی را باید در چنین شرایطی درک کرد. سرمایه‌های در حال تغییر در قالب شرکت‌های فراملیتی و سرمایه‌های مالی چالش ویژه‌ای رودرروی جنبش مردمی قرار داده‌اند. این سرمایه‌ها زندگی مردم را مورد تجاوز و تعدی قرار داده و آن‌ها را به فقر و نابودی کشانده است. در دوران اخیر شاهد تعرض این سرمایه‌ها و ایجاد بحران مالی در کشورهای آسیایی و تپه شدن زندگی مردم آن منطقه بودیم.

مردم بنگلادش هیچ جایگزین دیگری جز راه جستن به بازارهای جهانی ندارند. جنبش مردمی باید در جست و جوی یک جایگزین سیاسی - اقتصادی آزاد از حاکمیت بازار جهانی و قانون‌های دیکته شده توسط آن باشد. آن چه به اصطلاح رشد اقتصاد محلی در بین کشورهای آسیایی نامیده می‌شود هیچ نفعی برای مردم دربر ندارد و به قیمت هستی‌شان تمام شده است. مردم به نگرش تازه‌ای نیاز دارند.

جهانی شدن، حکومت‌های ملی را با تغییر ماهوی و بنیادی روبه‌رو کرده و در خدمت سیاست‌های نو استعماری قدرت‌های جهانی قرار داده است. در حال حاضر دولت‌های ملی در برابر فشار برای باز کردن دروازه‌های خود به‌روزی بازار جهانی شده، به‌زانو درآمده و مردم را در

برابر بازار جهانی شده، به حال خود رها کرده‌اند. این در حالی است که فرایند نئولیبرالیسم جهانی، آزادی و مشارکت مردم را تضعیف کرده است. جنبش‌های مردمی باید دموکراسی سیاسی جدیدی راه، نه تنها در محدوده‌ی داخلی، بلکه در گستره‌ی جهانی با هدف دموکراتیزه کردن بازار و فرایندهای سیاسی بین‌المللی، هدف قرار دهند و لذا باید فرایند دموکراسی مشارکتی مستقیم و همبستگی بین‌المللی را در مرزهای ملی و منطقه‌ای بسط دهند، اگرچه به دموکراسی محلی و فادارند که بسیار مهم و اساسی است.

در گذشته جنبش‌های مردمی مجبور به مبارزه با دیکتاتورها در کشور خود بودند، اما امروز با قدرت‌های جهانی هم روبرو هستند. جهانی شدن تضادهای اجتماعی را عمیق‌تر و شدیدتر کرده است. امنیت جامعه و انسان بیش از هر زمان دیگری مورد تهدید واقع شده است. تعادل و ثبات اجتماعی در اثر فرایند جهانی شدن نابودی می‌شود. اصل تنازع بقا به واسطه‌ی رقابت بی حد و مرز برای حداکثر سود حاکم شده است. تضادهای قدیمی بین طبقه‌ها، نژادها، زن و مرد ژرفش یافته و تشدید می‌شود. نظام تامین اجتماعی و امنیت ملی از هم پاشیده و به بخشی از بازار جهانی تبدیل می‌شود. هدف جنبش‌های مردمی تامین عدالت اجتماعی و حقوق اجتماعی در همه‌ی سطح‌ها و همه جا است.

پیروزی نئولیبرالیسم قانون جنگل را بر زندگی اجتماعی تحمیل می‌کند. جنبش‌های اجتماعی باید با نیروهای بازار در شکل بسیار پیچیده‌تری به مبارزه بپردازند و برداشت تازه‌ای از عدالت اجتماعی را با توجه به پیچیده شدن شبکه تضادهای اجتماعی شکل دهند. چالش پیش رو، آشکار کردن ماهیت تضادهای اجتماعی و ترسیم چشم‌اندازی برای تامین عدالت اجتماعی و همبستگی جهانی است.

بزرگ‌ترین تعرض جهانی شدن، علیه جنبش مردمی، در زمینه‌ی فن‌آوری آگاهی‌ها و فن‌آوری پیشرفته در زمینه‌ی چند رسانه‌ها است. بازار جهانی بر آگاهی‌ها و رسانه‌ها غلبه یافته و به تولیدهای فرهنگی گوناگون پرداخته است. مردم تحت تاثیر هجوم رسانه‌ای، ارزش‌ها و هویت فرهنگی خود را از دست می‌دهند، در روش زندگی و برداشت‌ها و احساس‌هایشان تغییرهای جدی روی می‌دهد. مردم نه تنها با استیلای فرهنگی، بلکه با نابودی و آشفتنگی فرهنگی نیز روبه‌رو می‌شوند. جنبش‌های مردمی باید با توجه به فرایند جهانی شدن و یکپارچگی فرهنگی در بازار جهان برای هویت فرهنگی جامعه خویش مبارزه کنند.

مبارزه علیه استیلای فرهنگی برای غنی کردن فرهنگ جهانی به کمک فرهنگ‌های ملی و قومی یکی دیگر از هدف‌ها است. انحصار فرهنگی در بیش‌تر حالات‌ها باعث تضادهای فرهنگی و قومی می‌شود. آسیایی‌ها زندگی فرهنگی منحصر به فردی دارند که از غنا و تنوع ارزنده‌ای برخوردار است. هدف از این مبارزه تامین ارتباط مردم برای صلح و عدالت، که به‌طور روزافزونی توسط نیروهای بازار خرد می‌شوند، علیه نظم نوین آگاهی‌ها و ارتباط‌ها است. در گذشته آگاهی و ارتباط تحت سیطره‌ی حاکمیت‌های سیاسی بود. اکنون نیروهای اقتصادی بر این دنیای گسترده تسلط یافته است. مردم باید برای یک نظم جدید انفورماتیک و اقتصادی که از جنبش‌های مردمی در سطح محلی، ملی و منطقه‌ای، و جهانی از پایین به بالا پشتیبانی می‌کند، مبارزه کنند.

دمکراسی مشارکتی برای زندگی مردم در عصر آگاهی‌ها و ارتباط‌ها یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. مردم آسیا همچنین از نظر مذهبی - ایدئولوژی نیز تحت فشار هستند. جهانی شدن، مذهب‌های آسیایی را به چالش طلییده است. برخی از گروه‌های مذهبی در برابر این وضع واکنش نشان می‌دهند. به این طریق زمینه برای افراط‌گرایی و بنیادگرایی مذهبی آماده شده است. مردم در آسیا غرق در باورها و میراث‌های مذهبی خود هستند. جنبش مردمی باید از آموزش‌های مذهبی برای یک زندگی آزاد، عادلانه و صلح‌آمیز دفاع کند. باورهای اصولی در این زمینه می‌تواند سنگ پایه‌ای در تقویت نیروها برای مبارزه با جهانی شدن و بازار جهانی شود. این به آن معنا است که مذهب‌ها در آسیا باید از ایدئولوژی‌های قدرت‌طلب جدا شوند.

جهانی شدن و بازار جهانی حیات را به دست مردم از بین می‌برد و هماهنگی و توازن محیط زیست را به هم می‌ریزد. بازار جهانی، فن‌آوری مخاطره‌آمیز بیوتک^۱ را به منظور کنترل و دست بردن در جهان کیهن و مهین توسعه می‌دهد. جهانی شدن حیات بشری را از فرایند حیات در روی کره زمین جدا می‌کند، در حالی که این پیوستگی یک ضرورت است. جنبش‌های مردمی باید از این پیوستگی دفاع کنند و با هرگونه جداسازی در این زمینه مبارزه کنند.

به همین دلیل ما می‌توانیم خود «زندگی» را مورد توجه و مبنای فعالیت‌ها مان قرار دهیم. ترسیم یک زندگی سالم و سرشار، اقدام برای تغییر در شرایط زندگی، به جای پذیرش نابودی، یک زندگی تازه، عادلانه و صلح‌جویانه و تامین نیازهای آن چارچوب جدیدی است، که باید جایگزین نگرش‌های سنتی شود.